

باسمه تعالی

آموزش آرایه های ادبی علوم و فنون 1

طراح: فاطمه حمزه لو

دبیر ادبیات شهرستان خنداب

علوم و فنون 1

آرایه ها، زیورهای کلامی است که سخن را بدان می آریند تا زیبا و جذاب و اثربخش باشد.

آرایه های ادبی را به دو بخش تقسیم کرده اند:

الف: علم بدیع      ب: علم بیان

علم بدیع:

بدیع در واژه به معنی تازه، نو و نوآورده است و در گستره ی زبان، علمی است که از آرایه های ادبی سخن می گوید. آرایه ها زیورهایی است که سخن را بدان می آریند.

علم بدیع (آرایه های ادبی) بر دو گونه است:

الف- بدیع لفظی (آرایه های لفظی، صناعات لفظی)      ب- بدیع معنوی (آرایه های معنوی، صناعات معنوی)

الف) - بدیع لفظی:

به آن دسته از آرایه های ادبی گفته می شود که از تناسب آوایی و لفظی میان واژه ها پدید می آید.

مانند: واج آرایی، سجع، ترصیع، جناس و اشتقاق

ب) - بدیع معنوی:

به آن دسته از آرایه های ادبی گفته می شود که بر پایه ی تناسب های معنایی واژه ها شکل می گیرد.

مانند: مراعات نظیر، تناقض، عکس، تلمیح، تضمین، اغراق، حسن تعلیل، ارسال المثل، تمثیل، اسلوب معادله و ایهام.



### واج آرایه:

تکرار یک **واج** (صامت یا مصوت) در کلمه های یک مصراع یا یک بیت یا عبارت نثر، به گونه ای که کلام را آهنگین کند و آفریننده ی موسیقی درونی باشد و بر تاثیر سخن بیافزاید.

واج آرایه یا نغمه ی حروف، تکراری آگاهانه است و موجب می گردد که تاثیر موسیقی کلام و القای معنی مورد نظر شاعر بیش تر گردد.

**مانند:** سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند (تکرار صامت چ)  
خیزید و خز آرید که هنگام **خزان** است (تکرار صامت های خ و ز) از منوچهری که تداعی کننده ی صدای ریزش و خرد شدن برگ ها در فصل خزان است.

### نمونه های دیگر:

- 1- بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران (سعدی)
- 2- بر او راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست (فردوسی)
- 3- آه از این چشمان عاشق کش که می آشوبدم / تلخی عشق مرا یک بوسه شیرین می کند. (چهارتنگی؛ خاموش)

نکته:

واج آرایه صامت ها از مصوت ها بیشتر است.

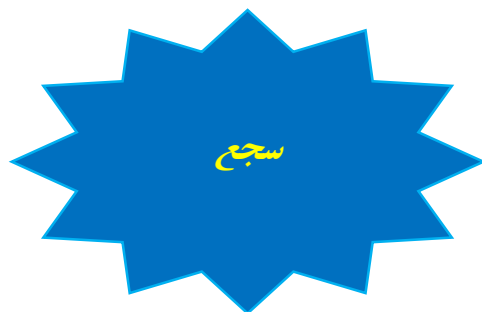
### واژه آرایه یا تکرار:

تکرار یک **واژه** در یک مصراع یا یک بیت یا عبارت نثر، به گونه ای که کلام را آهنگین کند و بر تاثیر سخن بیافزاید. **مانند:**

- 1- پس هستی من ز هستی اوست / تا هستم و هست دارمش دوست (تکرار واژه هست)
- 2- ای درینا، ای درینا، ای درینا / کانچنان ماهی نهان شد زیر میغ (تکرار واژه درین)

نکته:

آنچه در تکرار اهمیت دارد، جنبه ی موسیقایی و آوایی سخن است نه شکل نوشتاری واژگان.



**سجع:**

سجع به معنی **آواز کبوتر** است و در اصطلاح سخن شناسان، آوردن واژه هایی است ( **واژه های سجع** ) در آخر جمله های منثور به شکلی که دو واژه در واج های پایانی و یا وزن و یا هر دوی آن ها یکسان باشند.

**به عبارت ساده تر...**

به آهنگ برخاسته از کلمات مسجع، سجع می گویند.

به جمله هایی که دارای آرایه ی سجع باشند **مسجع** و به این عمل **تسجیع** می گویند.

**مثال:**

1- ای عزیز، در رعایت دل ها **کوش** و عیب کسان **می پوش** (خواجه عبدالله انصاری)

2- جان ما را **صفای** خود ده و دل ما را **هوای** خود ده (خواجه عبدالله انصاری)

3- منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب **قربت** است و به شکراندرش مزید **نعمت** (گلستان)

4- هرنفسی که فرو می رود **ممد حیات** است و چون برمی آید **مفرح ذات** (گلستان)

**توضیح:** در عبارات بالا، کوش و می پوش، صفا و هوا، قربت و نعمت، حیات و ذات، **واژه های سجع** به شمار می آید.

**انواع سجع:**

- **مطرف:** هرگاه کلماتی آورده شود که در **واج های آخر** یکسان باشند ولی هم وزن نباشند، این نوع سجع را «سجع مطرف» گویند.
- **متوازن:** هرگاه کلماتی آورده شود که فقط **هم وزن** باشند و در حرف آخر اختلاف داشته باشند، «سجع متوازن» نامیده می شود.
- **متوازی:** هرگاه کلماتی آورده شود که هم **هم وزن** و هم **واج پایانی** آن ها یکی باشد؛ «سجع متوازی» وجود دارد.

**نکته:**

**نکته 1:** ارزش موسیقایی **سجع متوازی** از همه بیشتر و ارزش موسیقایی **سجع متوازن** از همه کم تر است.

نکته 2: سجع هم در نثر و هم در شعر کاربرد دارد. فایده ی آن ایجاد موسیقی در نثر و افزایش موسیقی در شعر است.



ترصیع:

به معنی جواهر نشانیدن است و در اصطلاح ادبی، هر گاه اجزای یک بیت یا عبارت، نظیر به نظیر، در وزن و واج آخر مشترک باشند (سجع متوازی) آرایه ی ترصیع پدید می آید.

مثال 1: ای منور به تو نجوم جلال، وی مقرر به تو رسوم کمال

ای منور به تو نجوم جلال

وی مقرر به تو رسوم کمال

مرگ بی مرگی بود ما را حلال

مثال 2: برگ بی برگی بود ما را نوال

توضیح: همه ی این سجع ها با یکدیگر هم وزن و هم قافیه است.

نمونه های دیگر:

- 1- ای کریمی که بخشنده ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده ی خطایی (خواجه عبدالله انصاری)
- 2- بدان خدای که این افلاک را بر پای داشت و این املاک را بر جای (قاضی حمیدالدین بلخی)
- 3- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده (سعدی)

موازنه

هر گاه اجزای یک بیت یا عبارت، نظیر به نظیر در وزن، مشترک ولی در واج آخر مشترک نباشد (سجع متوازن) و نیز در تقابل بعضی از کلمات، سجع متوازی دیده شود آرایه ی موازنه پدید می آید.

مثال:

1- دل به امید روی او همدم جان نمی شود  
2- این لطافت کز لب لعل تو من گفتم که گفت  
3- گر عزم جفا داری سر در رهت اندازم

جان به هوای کوی او خدمت تن نمی کند  
وین تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید  
ور راه وفا گیری جان در قدمت ریزم



جناس:

جناس به کار بردن واژه هایی است که تلفظی یکسان و نزدیک به هم دارد. این آرایه بر تأثیر موسیقی و آهنگ سخن می افزاید.

انواع جناس:

الف- جناس همسان (تام)      ب- جناس ناهمسان (ناقص)

• جناس همسان (تام):

هرگاه واژه ای در یک بیت یا عبارت، دو بار به کار رود که از نظر تلفظ یکسان اما از نظر معنی متفاوت باشد جناس تام نام دارد.

مثال: بیا و برگ سفر ساز و زاد ره بر گیر / که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد (خواجوی کرمانی)  
توضیح: دو واژه ی زاد (توشه) و زاد (ولادت) با وجود تفاوت معنایی یکسان خوانده می شود.

نمونه های دیگر:

- 1- خرامان بشد سوی آب روان / چنان چون شده باز یابد روان (فردوسی)
- 2- عشق شوری در نهاد ما نهاد / جان مادر بوته ی سودا نهاد (فخرالدین عراقی)
- 3- بهرام که گور گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت (نظامی)
- 4- برادر که در بند خویش است / نه برادر و نه خویش است (سعدی)
- 5- تار زلفت را جدا مشاطه گر از شانه کرد / دست آن مشاطه را باید جدا از شانه کرد (امیر خسرو دهلوی)

• جناس ناهمسان (ناقص):

هرگاه دو واژه در یکی از موارد زیر با هم اختلاف داشته باشند، یکی از انواع جناس ناقص پدید می آید.

انواع جناس ناهمسان (ناقص):

الف- جناس ناقص حرکتی    ب- جناس ناقص اختلافی یا مطرف    ج- جناس ناقص افزایشی یا زاید

▪ جناس ناقص حرکتی

هرگاه دو واژه در مصوت کوتاه (حرکت) تفاوت داشته باشند.

مانند: ملک، ملک؛ قمری، قمری؛ گرد، گرد؛ مهر، مهر

در این سرای بی کسی کسی به در نمی زند / به دشت پر ملال ما پرنده پر نمی زند

▪ جناس ناقص اختلافی یا مطرف

هنگامی که دو واژه در یک واج (حرف) تفاوت دارند.

اختلاف در حرف نخست: ناز، باز؛ رفیق، شفیق؛ چاه، جاه

اختلاف در حرف میانی: آستین، آستان؛ کمین، کمان

اختلاف در حرف پایانی: بار، باز

مثال:

1- هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آمد / ما نیز یکی باشیم از جمله قربان ها

2- این رطل گران دگر خرابم نکند / وامانده ی این کهنه شرابم نکند (بهباد چهارتنگی (( خاموش))

▪ جناس ناقص افزایشی یا زاید

هنگامی که یکی از دو واژه، یک واج (حرف) بیش تر از دیگری دارد:

در آغاز یک حرف بیش تر دارد. مانند: شما، ما؛ مرنج، رنج

در میان یک حرف بیش تر دارد. مانند: خاص، خلاص؛ دست، دوست

در پایان یک حرف بیش تر دارد. مانند: قیام، قیامت

نکته:

جناس میان دو واژه را زمانی جناس ناقص می نامیم که اختلاف آن ها بیش از یک حرف (واج) نباشد.

• اشتقاق :

به کار گرفتن واژه هایی که در **حروف اصلی** هم ریشه و هم خانواده باشند را اشتقاق می نامند.

**مانند:** عالم، معلوم؛ مفتاح، فتوح؛ دیده، دیدار؛ لطف، لطیفه

**مثال:**

1- موج زخود **رفته** ای تند خرامید و گفت هستم اگر می روم گر نروم نیستم

2- گریب بگشایم به تکلم در عشق صد مثل تو **معشوقه** جوابم نکند (بهباد چهارتنگی (( خاموش ))

**نکته:**

گاهی دو واژه که هم ریشه هستند، تنها در یک حرف با هم اختلاف دارند، در این حالت هم جناس دارند و هم اشتقاق اما اگر اختلاف آن ها در بیش از یک حرف باشد و با هم هم ریشه باشند، فقط اشتقاق خواهند داشت.

**مثال:** نوح تویی، روح تویی، فاتح و مفتوح تویی سینه ی مشروح تویی، بر در اسرار مرا

**شبه اشتقاق :**

واژه هایی که به ظاهر هم ریشه اند ولی از جهت معنی ارتباطی میان آن ها نیست. **مانند:** علم، عالم

موفق و موید باشید

فاطمه حمزه لو

دبیر ادبیات شهرستان خنداب